



ساسانیست که در خط پهلوی به گونه‌های مختلف نوشته شده. خطی را که کتاب **اوستا** بدان نوشته شده است «**اوستایی**» یا دین دبیری «= خط دین» گویند. اوستایی که امروز در دست است حاصل کوشش چند سده‌ی زرتشتیان ایران و هند است که بر کیش باستانی باقی مانده و این مجموعه‌ی دینی را که معرف فرهنگ ایران باستان و کهن‌ترین سند کتبی ایران کهن است تا به امروز نگاه داشته‌اند.

آنچه از این کتاب امروز به شیوه‌ی عملی تصحیح شده و پایه‌ی پژوهش‌های زبان‌شناسی ایرانی و بلکه هند و اروپایی بر آن نهاده شده است. **اوستای کنونی** دارای پنج بخش می‌باشد، بدین‌گونه: یسنا، یشت‌ها، ویسپرد، خرد، **اوستا** و گاتاها.

کتاب حاضر نتیجه‌ی بیست و چهار سال سخت‌کوشی توأم با شکیبایی. ناگفته نماند که یکی از مهم‌ترین منابع مورد بهره‌گیری مولف در تدوین فرهنگ حاضر، فرهنگ کانگا می‌باشد که جز نخستین فرهنگ‌های **اوستایی** می‌باشد.

خوشبختانه در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در زمینه‌ی **اوستا** به انجام رسیده، نمونه‌ی آن **فرهنگ** حاضر می‌باشد که بسیار پژوهشگرانه به نظر می‌رسد.

(فرستنده: بیژن تلیانی)

آیات، احادیث و لغات مثنوی معنوی؛ دکتر نظام‌الدین نوری، چاپ اول، جلد زرکوب، قیمت: ۹۵۰۰۰ ریال، ناشر: انتشارات زهره. **مثنوی** یکی از پرمایه‌ترین آثار فرهنگ بشر و از این نظر در مرتبه‌ی است که بیش‌تر شاهکارهای ادبی جهان را با آن نمی‌توان قیاس کرد.

مثنوی آخرین اثر مولاناست که مرتبه‌ی روحانی و معنوی آن بالاتر و محتوای فکری آن بیش‌تر از آثار دیگر اوست و در ادبیات عارفانه‌ی فارسی نقطه‌ی اوجی که آثار دیگر را با آن نمی‌توان قیاس کرد. زبان **مثنوی** به‌طور کلی، زبان شاعران و نویسندگان خراسان در قرن‌های چهارم و پنجم هجری است. اما به ضرورت موضوعات و مطالب، بسیاری از اصطلاحات فقه، کلام، حکمت، تصوف، ستاره‌شناسی و علوم دیگر در آن می‌آید.

مولوی نیز مانند سایر علما و عرفان اسلامی، با توجه به محدوده‌ی فکری‌اش به آیات قرآن احاطه داشته و در مسیر حرکتش به سوی الله از آیات این منبع پر ارزش استفاده می‌جسته است. او بیش از این که متوجه مذاهب و فرقه‌ها و ملت‌های گذشته باشد به معارفی که در بین آنان تربیت شده است، توجه دارد. تعلیمات مولوی، سعادت آدمی را در شناخت حق و معرفت حقایق از راه تزکیه‌ی باطن و تهذیب نفس می‌داند با توجه به ملاحظه‌ی کتاب‌های نوشته شده در خصوص آثار مولوی، طرز کار این نوشتار به قرار زیر است.

ابتدا در یک مجموعه‌ی جداگانه آیات قرآنی جمع‌آوری شده است، بدین ترتیب کلمه یا جمله‌ی که در شعر به‌عنوان شاهد و استناد ذکر شده است به اصل آیه رجوع کرد و پس از مشاهده و تکمیل بقیه‌ی آیه، ترجمه‌ی کامل آن نیز وارد شده است.

اشعار و آیات به ترتیب موضوع اشعار **مثنوی** از دفتر اول تا دفتر ششم و به‌همان نظم کتاب از روی **مثنوی** تصحیح نیکلسون و با توجه به آثار دیگر پژوهندگان تنظیم شده، به‌طوری که در ذیل هر بیت شماره‌ی بیت، آیه و ترجمه‌ی آن نوشته شده است.

(فرستنده: بیژن تلیانی)

حافظ از ناشران، نویسندگان و علاقه‌مندانی که بخواهند کتاب‌هایشان در بخش تازه‌های کتاب معرفی شود، دعوت می‌کند که دو نسخه از کتاب مورد علاقه‌ی خود را به نشانی «تهران - تقاطع فلسطین و انقلاب ساختمان مهر - شماره‌ی ۲ - کدپستی ۱۴۱۶۸ - دفتر ماهنامه‌ی حافظ» ارسال نمایند.

مهندس حجت حیدری

ادبیات

تراژدی شیخ صنعان؛ اثر حسین جاوید، ترجمه و تعلیقات از دکتر رحیم چاوش اکبری (یسنا‌ی تبریزی)، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۸۴، ۳۷۸ ص.

لسان الغیب شیخ آقا؛ بهروز محمدیگی، انتشارات علم و ادب، تهران، ۱۳۸۳، ۱۶۶ ص.

تاریخ

سیراف، مروارید خلیج فارس؛ اسماعیل جاشویی، انتشارات کنگره بین‌المللی سیراف، بوشهر، ۱۳۸۴، ۱۵۰ ص (مصور رنگی)

فرهنگ واژه‌های اوستا؛ ۴ جلدی، تالیف: احسان بهرامی، به یاری فریلون جنیدی، چاپ اول، جلد زرکوب، شمارگان ۳۰۰۰ نسخه، ناشر: نشر بلخ، وابسته به بنیاد نیشابور.

مجموعه‌ی متون مذهبی زرتشتیان امروزه **اوستا** خوانده می‌شود. این کلمه در ادبیات فارسی پس از تازیان با اشکال و صور گوناگون مورد استفاده قرار گرفته، چون اوستا، ایستا، استا، اوستا، اوستا و گونه‌هایی دیگر.

اما صورت و شکل رایج آن **اوستا** می‌باشد، درباره‌ی معنی این کلمه دانشمندان توافق کلی ندارند. کهن‌ترین اثر مربوط به مردم و زبان مشرق ایران کتاب اوستاست.

مجموعه‌ی که از آموزش‌های دین زرتشتی خصوصاً و اساطیر و فرهنگ مردم ایران عموماً بحث می‌کند. واژه‌ی **اوستا** یعنی نامی که بر کتاب دینی زرتشتیان اطلاق شده، در خود **اوستا** به‌کار نرفته است.

اصل واژه مربوط به دوره‌ی میانه و برگرفته از متن‌های دوره‌ی

روابط عمومی

افکار عمومی و شیوه‌های اقناع: کاظم متولی، انتشارات بهجت، تهران، ۱۳۸۴، ۲۱۷ ص.

شعر

جویبار جاری جنون (مجموعه‌ی شعر)؛ رحمانیان حقیقی، انتشارات نیم‌نگاه، تهران، ۱۳۸۲، ۱۲۰ ص.

نمونه‌ی شعر:

با داغ آتشی که در سینه‌ی من است / با سوز نیایشی که در دست‌های تو هست / ترانه‌های عاشقانه خواهیم ساخت / عاشقانه‌های شبانه خواهیم نواخت / باد نیستیم که به هر جانب وزیم / پروانه نیستیم که در پیله‌ی تنهایی خویش تنیم / ما توالی قبایل خورشیدهای به خاکستر نشسته‌ایم / ما نسل تالاقی سیاره‌ها و ستارگان کهکشن‌های ذوب شده‌ایم / و عصیان ما / نجیب‌ترین نجابت ماست.

بوسه بر دوست؛ مجتبی علی‌بابایی، انتشارات نازلی، همدان، ۱۳۸۴، ۸۸ ص.

نمونه‌ی شعر:

سرودم بر تولد؟ / چه بسا: / تولد یک گل، / یک جوجه و یا یک گوساله باشد / و درودم: / بر گشودن بالی‌ست و اوج یک پرواز / و چه بسا: / تاتی تاتی کودکی باشد / و در خیالم مدام / آن؟ / آوازم: / ترنم باران.

دردانه؛ اسماعیل آقا محمدی، انتشارات سرانجام، زنجان، ۱۳۸۰، ۱۳۴ ص.

نمونه‌ی شعر:

به زبان کس ننگتد که ثنا کند خدا را / چو به دست خود گرفته همه‌جان ما سوا را / در رحمتش گشوده به تمام خلق عالم / ز کرم که تا نوازد دل خلق بینوا را / همه خور و ماه و انجم، چه ثوابت و چه سیار / شده خلق تا که بهتر بشناسی آن خدا را.

چتر دست و دل‌باز؛ احمد غفاری، انتشارات شلفین، ساری، ۱۳۸۴، ۷۵ ص.

مثنوی محمود؛ سیداحمد خاوری کاشانی، انتشارات افق فردا، تهران، ۱۳۲۹، ۱۴۰ ص.

نمونه‌ی شعر: ای ذات تو بی‌نیاز از اثبات / عالم به تو قائم و تو بالذات / ای وصف تو برتر از چه و چون / ذات تو ز حد فکر بیرون / شاهی تو بی‌شریک و انباز / فارغ ز انجام و هم ز آغاز / نه برده خیال ره به کویت / نه دیده‌ی عقل دیده رویت.

عارفانه‌ها و اندیشه‌ها؛ جاوید صلاحی، انتشارات خیزران، مشهد، ۱۳۸۳، ۱۴۰ ص.

نمونه‌ی شعر: ای خالق من، خالق من، خالق من / ای لطف تو از کوه و در دشت نمایان / هر ذره ناچیزتر آیت قدرت / هر مرغک بیدار ترا حمد و ثناخوان / ای خالق من، ای قادر سبحان / ای هادی رحمان، ای صاحب قرآن.

انوار حکمت؛ محمد هادی گلستانی، انتشارات موسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی فن و هنر، تهران، ۱۳۷۹، ۱۵۲ ص.

نمونه‌ی شعر:

سراغاز با نام یزدان پاک / که جان داد در آفرینش به خاک / به قدرت زمین و آسمان آفرید / به حکمت سخن در زبان آفرید / خداوند بخشنده‌ی مهربان / ز حمد و ثنایش زبان ناتوان / نداند به حق شکر او هیچ کس / به درگاه او عذر تقصیر بس.

نام تو نام باران؛ محمد آذری، انتشارات لیان، تهران، ۱۳۸۴، ۱۴۲ ص.

نمونه‌ی شعر:

کی می‌شود که تو را مثل شیر تازه بنوشم / و مثل یک غزل ناب / بخوانمت از بر / چه می‌شود که بخوانی ترانه‌ی باران / و من میان دشت برقصم / کی می‌شود که بخوابی / مرا به خواب ببینی / که بی‌تو بیمارم.

فرهنگ مردم ابهر؛ فرهنگ عامیانه و ضرب‌المثل‌های ترکی، محمداقا محمدی، ناشر مولفه ابهر، ۱۳۷۴، ۳۱۷ ص.

ابهر (گذری و نظری)؛ محمد آقا محمدی، انتشارات زنگان، ۱۳۷۷، ۱۷۳ ص.

ماموریت در بندر بوشهر؛ موریس پزار، ترجمه‌ی سید ضیاء مصلاح، انتشارات شروع، بوشهر، ۱۳۸۴، ۱۳۶ ص.

آن روزها (رازهای گفته‌نشده‌ی یک معلم)؛ محمدرضا ملوندی، انتشارات امید مهر، ۱۳۸۴، ۱۸۰ ص، خاطرات خواندنی آقای ملوندی که در دوره‌ی دبستان آموزگار سردبیر ماهنامه‌ی حافظ بود.

قاضی ابوسعید سیرافی (نحوی بزرگ جهان اسلام)؛ مصطفی مرهونی، انتشارات شروع، بوشهر، ۱۳۸۴، ۱۹۰ ص.

سفرهای سلیمان سیرافی از خلیج فارس تا چین؛ دکتر جواد صفی‌نژاد، انتشارات موسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، بوشهر، ۱۳۸۴، ۴۲ ص فارسی و ۳۰ ص انگلیسی.

نشریات ادواری

همسر؛ هفته‌نامه‌ی ویژه‌ی همسران، سال نهم، شماره‌ی ۸۲، بهمن ۱۳۸۴، به مدیریت جعفر صابری و سردبیری مهوش صابری، با مطالبی متنوع از جمله شرح حال شاعران و ادیبان و هنرمندان معاصر. در صفحه‌ی ۳ این هفته‌نامه راجع به ماهنامه‌ی حافظ آمده است: مدیر مسوول ماهنامه‌ی حافظ، استاد مسلم ادب و کلام، نیازی به معرفی ندارد، اما از نظر سیادت و فتوت و حریت و فضایل و مکارم و سجایای اخلاقی عنصری‌ست وارسته و انسانیت آرازه؛ استاد آن‌چنان خاضع و خاشع بوده که قلم را یارای توصیف وصف این فرازاندیش ثاقب‌رای نمی‌باشد. الحق و الانصاف این گران‌سنگ در بین ادبا و اکابر اعظم، جایگاه ویژه‌ی از نظر وارستگی و شایستگی داشته و دارد. لذا راقم این سطور به‌علت بضاعت اندک معنوی و علم قلیل و لسان الکن توانمندی نگارش قلمی در خود ندیده و نمی‌بیند، لذا به همین بسنده نموده باشد بل تا فرصت دیگر، قلم در صفحه‌ی کاغذ به‌جولان آید و کلماتی به تلفیق که مشارالیه را سزا باشد. والسلام.

